ما نزد ابوموسی اشعری بودیم که درخواست پهن شدن سفره نمود و سفره پهن شد و بر روی آن گوشت مرغ گذاشته بودند.

از زَهْدَم بن مُضَرِّب جَرْمی روایت است که می گوید: ما نزد ابوموسی اشعری بودیم که درخواست پهن شدن سفره نمود و سفره پهن شد و بر روی آن گوشت مرغ گذاشته بودند؛ در این میان یکی از مردان "بنی تَیْمِ الله" که با داشتن پوستی سرخ رنگ شبیه غیر عرب ها بود وارد شد؛ ابوموسی به او گفت: بیا جلو بخور؛ اما آن شخص در خوردن گوشت مرغ متردد شد؛ پس ابوموسی رضی الله عنه به او گفت: بیا جلو، زیرا من دیدم که رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن می خورد.

[صحیح است] [متفق علیه]

زَهْدَم بن مُضَرِّب جَرْمی روایت می کند که وی به همراه عده ای نزد ابوموسی اشعری رضی الله عنه بودند که ایشان درخواست پهن شدن سفره می کند و سفره پهن می شود و گوشت مرغ بر آن گذاشته می شود. در این میان مردی از بَنِی تَیم الله وارد می شود که پوستی سرخ رنگ دارد و از این جهت شبیه غیر عرب ها می باشد و ابوموسی او را برای خوردن از گوشت مرغ دعوت می کند؛ اما او در خوردن گوشت مرغ تردید می کند و از خوردن آن ابا می ورزد؛ بنابراین ابوموسی رضی الله عنه برای او توضیح می دهد و می گوید: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که از آن می خورد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/2975